مجله‌ی علمی-پژوهشی زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه آزاد اسلامی، واحد فسا
س۳، ش۱ (پیاپی ۵)، بهار ۱۳۹۱

ریخت‌شناسی «سام‌نامه خواجوی کرمانی» طبق نظریه‌ی ولادیمیر پراپ

دکتر حمیدرضا فرضی
استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانش‌گاه آزاد اسلامی، واحد تبریز
فرناز فخیمی فاریابی
دانش‌آموخته‌ی زبان و ادبیات فارسی دانش‌گاه آزاد اسلامی، واحد شبستر

چکیده

ریخت‌شناسی قصه‌های عامیانه در سال ۱۹۲۸م. توسط فرمالیست روسی «ولادیمیر پراپ» آغاز شد، اساس کار وی بر پایه‌ی اعمال شخصیت‌های قصه نهاده شده است و در سال‌های اخیر، یکی از شیوه‌های رایج در تحلیل ساختاری قصه‌ها بوده است. در این مقاله، **سام‌نامه**‌ی خواجوی‌کرمانی که از جمله قصه‌های عامیانه و پرماجرا و موضوع آن سرگذشت زندگی سام از زمان تولّد تا پادشاهی است، مورد بررسی قرار گرفته است. برای این منظور ابتدا مقدمه‌ای درباره‌ی تعریف و تبیین ریخت‌شناسی و معرّفی **سام‌نامه** مطرح شده است. سپس قصه بر اساس سازه‌های الگوی پراپ مانند: وضعیت آغازین، غیبت، کسب خبر و ... مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و در نهایت فرم داستانی شامل: پی‌رنگ، زاویه‌ی دید، زمان و مکان و ... بررسی شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که **سام‌نامه** تا حدود زیادی ویژگی یک قصه‌ی عامیانه را داراست و الگوی ساختاری آن موافق با الگوی قصه‌های عامیانه‌ی مورد بررسی پراپ است.
واژگان کلیدی: ریخت‌شناسی، ساختار، پراپ، **سام نامه**، خواجوی‌کرمانی.

Email: Hreza2007@yahoo.com
Email: Fakhimi_ff2e@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۸/۱
تاریخ پذیرش مقاله: ۹۱/۲/۶

Archive of SID
www.SID.ir

۱- مقدمه

۱-۱- ریخت‌شناسی: ریخت شناسی (Morphology) «علمی است در حوزه‌ی مطالعات ادبی که نخستین بار ولادیمیر پراپ، مردم‌شناس روسی (۱۸۹۵-۱۹۷۰م) آن را در مهم‌ترین اثر خویش، ریخت‌شناسی قصه مطرح کرد. پراپ آثار فولکوریک را بر پایه‌ی قواعد صوری آن‌ها طبقه‌بندی کرد و از همین‌رو، مطالعات خویش را ریخت‌شناسی نامید و آن را به معنی توصیف حکایت‌ها بر پایه‌ی واحدهای تشکیل دهنده‌شان و مناسبات این واحدها با یک‌دیگر و با کلّ حکایت به کار برد.» (روحانی و اسفندیار، نقل از: انوشه، ۷۳۵ :۱۳۷۶) پراپ برای دست‌یابی به یک روش خاص، صد قصه از مجموعه‌ی قصه‌های روسی را برگزید و آن‌ها را بر اساس عمل‌کردها و کنش‌هایشان بررسی کرد. «او حاصل سال‌ها تحقیق و مطالعه‌ی خویش را در نخستین کتابش **ریخت‌شناسی قصه‌های پریان** منتشر کرد. این اثر ارزش‌مند تا سی سال بعد که به انگلیسی ترجمه شد، ناشناخته بود. ترجمه‌ی کتاب در محافل ادبی و در میان فولکورشناسان اروپایی با استقبال کم نظیری روبه‌رو شد. آن را بسیار نقد و تحسین کردند. از میان محققان غربی، لوی استراوس از مشهورترین ساخت‌گرایانِ غرب، با نقدی که بر کتاب پراپ نوشت ، نام وی را پرآوازه کرد.» (خدیش، ۵۱-۵۰ :۱۳۸۷) سعی محققان بعدی نیز بر این بود که ایرادات و کاستی‌های کار پراپ را برطرف و روشی جامع‌تر و دقیق‌تر برای بررسی روایت عرضه کنند. «تلاش برای توصیف ساختارهای روایی پایه، از زمان ارسطو آغاز شده و به کرّات گفته می‌شود که از زمان او تاکنون، پیش‌رفت چندانی حاصل نشده است، امّا ولادیمیر پراپ در این عرصه گام مهمی برداشت و نظام او به رغم کاستی‌هایش نقطه‌ی شروعی برای نظریّه‌پردازان بعدی شده است.» (اسکولز، ۱۳۴ :۱۳۸۳) در واقع ریخت‌شناسی پراپ، گام مهمی در تحلیل و شناخت قصه‌ها محسوب می‌شود به همین دلیل بیش‌تر نظریه‌پردازان منتقد نیز بر مبنای الگوی پراپ تجزیه و تحلیل کرده‌اند. با وجود انتقادات بر الگوی پراپ «کم‌تر نویسنده و نظریه‌پردازی را در زمینه‌ی ادبیات به معنای اعمّ آن می‌توان یافت که به نوعی و به نحوی از شیوه‌ها و دیدگاه‌های پراپ و دنباله‌روانش تأثیر نپذیرفته باشد.» (بیات و دیگران، ۳ :۱۳۷۷) لوی استراوس اگرچه از منتقدان کتاب پراپ بود ولی به نوعی متفاوت در آثارش از روش پراپ تأثیر پذیرفته است. «او بر همین مبنا پژوهش‌های اساطیری خویش را

Archive of SID

www.SID.ir

سامان داد. هرچند او برخلاف پراپ نه با فرم زیباشناختی، بلکه با فرمی منطقی سر و کار دارد.» (اسکولز، ۱۰۳ :۱۳۸۳) پراپ معتقد است که ساختار داستان ، مانند ساختار گیاه در گیاه‌شناسی، باید بر اساس اجزای تشکیل‌دهنده‌ی آن و مناسبات آن اجزا با هم و با مجموع قصه باشد؛ زیرا بررسی ریخت‌های قصه «همان اندازه دقیق خواهد بود که ریخت‌شناسی شکل موجودات.» (پراپ، ۱۷ :۱۳۶۸) به قول خود پراپ، کارکردهای افراد قصه اجزای تشکیل‌دهنده‌ی قصه‌ها هستند بر همین مبنا پراپ بر اساس بررسی ۱۰۰ حکایت فولکوریک روسی نتیجه می‌گیرد که:

«۱- عناصر ثابت و پایدار قصه، عمل‌کردهای اشخاص است، این عمل‌کردها مستقل از اینکه به کدام شخصیت تعلّق دارند و چگونه شکل می‌گیرند، بنیان سازنده‌ی قصه به شمار می‌روند.

۲- شماره عمل‌کردها در قصه محدود است .

۳- جای‌گزینی و توالی عمل‌کردها همواره یکسان است .

۴- تمام قصه‌ها از دیدگاه ساختاری یک گونه است و می‌توان آن گونه‌ی نهایی را کشف کرد.»(احمدی، ۱۴۵ :۱۳۸۴) این عمل‌کردها، حوادث قصه را می‌سازند و علل بسط و گسترش قصه نیز همین خویش‌کاری‌های عناصر داستان است که از شرارت یا کم‌بود و نیاز شروع می‌شود و به ازدواج و پادشاهی منتهی می‌گردد. «هر شرّ یا کم‌بود جدید که در سیر قصه روی می‌دهد، حرکت دیگری آغاز می‌شود. گاه یک متن می‌تواند چندین حرکت داشته باشد و تجزیه‌ی متن نیز مستلزم تعیین تعداد حرکت‌ها در قصه است. مسأله‌ای که باید به آن توجه داشت، این است که بسط و گسترش حرکت‌ها، همیشه به طور متوالی رخ نمی‌دهد، بلکه ممکن است متداخل شوند، یعنی گاهی چند حرکت با هم آغاز می‌شود و یا گاهی یکی متوقف شده و دیگری ادامه پیدا می‌کند، دوباره این توقف برای حرکت دیگری پیش می‌آید. این سخن بدین معنی نیست که هر حرکتی، یک قصه‌ی جدید است، بلکه یک قصه می‌تواند در چند جهت گسترش یابد. پراپ این حرکت‌ها را نشان می‌دهد، اما نسخه‌ای دقیق برای تشخیص این‌که چه زمانی این حرکت‌ها چند قصه و چه وقت یک قصه هستند، ارائه نمی‌دهد.» (خراسانی، ۵۲ :۱۳۸۳) تجزیه و تحلیل این حرکت‌ها، مستلزم تعیین کارکردهای قصه است، پراپ با بررسی ۱۰۰ حکایت روسی، به ۳۱ کارکرد در قصه‌ها دست یافت که بر اساس نظریه‌ی او این عمل‌کردها در قصه‌ها

Archive of SID

www.SID.ir

تکرار می‌شوند امّا ترتیب و تعداد ایـن کارکردها در قـصه‌ها متفاوت است.«پراپ تأکید می‌کند که به کمّیّت مواد علاقه‌ای نداریم ، بلکـه به کیفیّت مواد دل بسته‌ایم». (حرّی، ۱۲ :۱۳۸۷) طبق عقیده‌ی پراپ هیچ‌گاه قصه‌ای یافت نمی‌شود که تمام این خویش‌کاری‌ها هم‌زمان در آن به کار رفته باشد. با بررسی‌های که در قصه‌ها و در این داستان شده است می‌توان گفت که روش پراپ را می‌توان در سایر قصه‌ها بررسی کرد. «پراپ در بررسی ریخت‌شناسانه‌ی خویش، فقط قصه‌های جادویی روسی را در نظر داشت، ولی نتایج حاصل از بررسی‌های وی را می‌توان به قصه‌های سایر ملل تعمیم داد. این امر در مورد قصه‌های ایرانی هم صادق است.» (حق شناس و خدیش، ۳۳ :۱۳۸۷)

۱-۲-پیشینه‌ی تحقیق:

در سال‌های اخیر، مقالاتی درباره‌ی ریخت‌شناسی نوشته شده و در آن‌ها به تجزیه و تحلیل برخی از متون پرداخته شده است؛ از آن جمله: آذر و پورسیّد (۱۳۹۰) داستان **گنبد سرخ** در **هفت پیکر** نظامی را از نظر ریخت‌شناسی بررسی کرده‌اند که به ۱۳ کارکرد دست یافته شده است، روحانی و اسفندیار (۱۳۸۹) به ریخت‌شناسی قصه‌ی **قلعه‌ی ذات‌الصّور** در **مثنوی** پرداخته‌اند که از بررسی‌هایشان، ۱۹ کارکرد حاصل شده است و این تحقیق بیان‌گر این است که الگوی پراپ بر روی قصه‌های عرفانی نیز قابل انطباق است، محبوبه خراسانی (۱۳۸۳) ریخت‌شناسی **هزار و یک شب** را بررسی کرده و بهرام جلالی پور (۱۳۷۹) ریخت‌شناسی قصه‌ی **جنگ مازندران** را کار کرده است. در تمام مقاله‌های مذکور و برخی دیگر از تحقیق‌های بررسی شده اگرچه در مواردی عدم توالی و ترتیب کارکردها مشهود است، اما به نتیجه‌ای موافق با الگوی پراپ دست یافته شده است. ما در این مقاله قصد داریم **سام نامه** خواجوی کرمانی را بر اساس این نظریه مورد بررسی قرار دهیم.

۲- بحث و بررسی

۲-۱- معرّفی سام‌نامه:

سام‌نامه خواجوی کرمانی «منظومه‌ی عاشقانه و حماسی حدود ۱۴۵۰۰ بیت در باب سام نریمان از آغاز تولّد تا پادشاهی، عاشق شدن او به پری‌دخت، دختر فغفور چین و شرح

www.SID.ir

جنگ‌های متعدّد و دلیری‌هایش در راه رسیدن به او که در طی ماجراهای پرکشش بیان شده است.» (مهرآبادی، مقدمه :۱۳۸۶) در **سام‌نامه** سعی نویسنده بیش‌تر بر آن است که نشان دهد چگونه ایمان راستین و خالصانه به خدا می‌تواند در برابر مشکلات عظیم، نجات‌بخش باشد. سام در رویارویی با همه‌ی حوادث طاقت‌فرسا تنها از خدا یاری می‌طلبد و ذرّه‌ای ضعف ایمان در رسیدن وی به هدفش وجود ندارد. اگرچه برخی مشکلات او با یاری‌گر التیام می‌یابد امّا در واقع یاری‌گر نهایی او خداوند است که سام بارها در اوج ناامیدی از او یاد می‌کند.

۲-۲- خلاصه‌ی داستان سام‌نامه:

داستان **سام‌نامه**، ماجراهای سام (پسر نریمان) است که از بطن دختر پادشاه بلخ متولد می‌شود. حوادث داستان از این‌جا آغاز می‌شود که : سام با رضایت منوچهرشاه، پادشاه ایران‌زمین به شکار می‌رود ولی بدون موفقیّت در شکار گور، گور تبدیل به عالم‌افروز پری شده و سر از منزل بهشت‌وار عالم‌افروز در می‌آورد، در آن‌جا لحظه‌ای با دیدن تصویر پری‌دختِ زیباروی ،دختر فغفور، پادشاه چین دل‌باخته‌ی او می‌گردد. با نقضِ نهی لشکرش برای جستجوی پری‌دخت با قلواد راهی سرزمین چین می‌شود و با اتفاقاتی از جمله: جنگ با زنگیان، سمندان، ژند جادو و مکوکال دیو روبه‌رو می‌شود، در میان این حوادث سام با عدم موافقت با درخواست کام‌یابی عالم‌افروز پری ، رشک او را برمی‌انگیزد و عالم‌افروز سعی می‌کند تا از رسیدن سام به پری‌دخت جلوگیری کند ، سام با پسر عموی نریمانِ یل ، قلوش ، مواجه می‌شود که در ادامه به عنوان یاری‌گر او را هم‌راهی می‌کند. با آزاد کردن پری‌نوش ، دخترعموی پری‌دخت از طلسم و با شکست مکوکال دیو ، سام به دربار فغفورچین راه می‌یابد. دیدار با پری‌دخت و هم‌راهی او با سام، تعقیب فغفور را به دنبال دارد. داستان با جنگ‌های سام با تکش‌خان، طغان‌شاه، کشته شدن خاوری، آزار پری‌دخت توسط عالم‌افروز ادامه می‌یابد. به دلیل بی‌ثمر بودن جنگ فغفور با سام، فغفور پس از مشورت با وزیر خود، درصدد فریب سام برمی‌آیند بدین‌گونه که شرط رسیدن سام به مراد خویش، شکست دادن نهنکال دیو خواهد بود. سام برای عبور از این مانع با حوادثی از جمله: جنگ با فرعین دیو، پیوستن قمرتاش به سام، کشته شدن عالم‌افروز پری پس از کش‌مکش فراوان، رهایی از طلسمات عالم‌افروز با یاری فرهنگ دیو، جنگ با نهنکال، دیوانه شاه‌پور، سقلاب روم، عاق جادو، سگ‌ساریان، نیمه‌تنان، سمندان، زرّینه‌بال، شدید،

Archive of SID

www.SID.ir

تسلیم شاه، رحمان جنّی، ارقم دیو، طلّاج، عوج بن عنق، قهقهام، خاتوره مادر عوج، اهرن روبه‌رو می‌شود که با شکست دادن هر یک از این دشمنان خاتمه می‌یابد. جنگ با ابرها و پیروزی بر آن، سام را بار دیگر به مراد خود می‌رساند. در پایان، جنگ نهایی با فغفور چین و کشته شدن او، بساط مجلس عروسی را برای سام فراهم آورده، با پری‌دخت ازدواج می‌کند و بر تخت پادشاهی می‌نشیند.

۲-۳- تحلیل داستان بر اساس نظریه‌ی پراپ:

برای این منظور ابتدا کارکردهای سی و یک‌گانه در قصه‌ها را بر اساس ریخت‌شناسی پراپ نقل کرده سپس به تحلیل **سام نامه** می‌پردازیم؛ به نظر پراپ کارکردهای قصه‌های بررسی شده‌ی روسی عبارتند از:

۱- **وضعیت آغازین:** که می‌تواند رفع نیازی یا مشکلی باشد.

۲ – **غیبت:** یکی از شخصیّت‌های قصه غیبت می‌کند.

۳- **نهی**: قهرمان قصه از کاری نهی می‌شود.

۴- **نقض نهی**: انجام دادن همان کاری که قهرمان از آن نهی شده بود.

۵- **خبرگیری شریر**: شریر به جست‌جوی اخبار می‌پردازد.

۶- **کسب خبر**: شریر اطلاعات لازم را بدست می‌آورد.

۷- **فریب‌کاری**: شریر می‌کوشد تا قربانیش را بفریبد.

۸- **شرارت**: شریر به قهرمان یا فرد مورد نظرش صدمه می‌زند و به هدف خود می‌رسد.

۹- **میانجی‌گری**: میانجی‌گر همان یاری‌گر است که به قهرمان کمک می‌رساند.

۱۰- **مقابله‌ی اولیه**: قهرمان به جست‌جو برای رفع شرارت می‌رود و یا برای رفع مشکل اقدام می‌نماید.

۱۱- **عزیمت**: عـزیمت قهـرمان جست‌جـــوگر ، که هدف او فقط جست‌جو است یا عزیمت قهرمان قربانی که در مقابل حوادث و روی‌دادهای مختلف قرار می‌گیرد.

۱۲- **اولین کارکرد بخشنده**: قهرمان از او عامل جادویی دریافت می‌کند.

۱۳- **واکنش قهرمان**: اولین اقدام او است یا کاری را انجام
می‌دهد یا به کسی کمک می‌کند یا نقشه‌ای را طرح می‌کند.

۱۴- **دریافت عامل جادویی**.

۱۵- **انتقال مکانی**: قهرمان به سرزمین یا شهر دیگری می‌رود.

Archive of SID

www.SID.ir

۱۶- **مبارزه**: قهرمان به رقابت و مبارزه می‌پردازد. این مبارزه می‌تواند به صورت گفت‌وگو باشد.
۱۷- **داغ گذاشتن**: قهرمان هنگام کشمکش زخمی می‌شود.
۱۸- **پیروزی**: قهرمان، شریر را شکست می‌دهد.
۱۹- **رفع مشکل**: بدبختی و مصیبت یا کم‌بود آغاز قصه رفع می‌شود.
۲۰- **بازگشت**: قهرمان پس از دریافت عامل جاویی و رسیدن به هدف به جای‌گاه یا وضعیت اولیه‌ی خود برمی‌گردد.
۲۱- **تعقیب**: تعقیب‌کننده به دنبال قهرمان می‌رود.
۲۲- **نجات**: قهرمان از شرّ تعقیب‌کننده رها می‌شود.
۲۳- **ورود به طور ناشناس**: قهرمان، ناشناخته به شهر یا سرزمین دیگر می‌رود.
۲۴- **ادّعاهای بی پایه**: قهرمان ادّعای انجام کاری می‌کند که توان انجامش را ندارد.
۲۵- **کار دشوار**: کاری دشوار از قهرمان خواسته می‌شود.
۲۶- **انجام کار دشوار**: قهرمان، کار دشوار را پشت سر می‌گذارد.
۲۷- **شناخته شدن**: قهرمان از روی علامتی یا داغی شناخته می‌شود.
۲۸- **رسوایی شریر**: شریر رسوا می‌شود.
۲۹- **تغییر شکل**: قهرمان شکل و ظاهری جدید پیدا می‌کند.
۳۰- **مجازات**: شریر به جزای اعمال خود می‌رسد.
۳۱- **عروسی**: قهرمان با شاهزاده خانم ازدواج می‌کند و بر تخت پادشاهی می‌نشیند.

۲-۴- تجزیه‌ی ریخت‌شناسی سام نامه:

۱- **وضعیت آغازین** : سام به شکار و تفریح نیاز دارد.
۲- **غیبت**: سام به شکار می‌رود.
۳- **فریب‌کاری**: گور تبدیل به عالم‌افروز شده و سام به منزل عالم‌افروز می‌رسد.
۴- **شرارت**: سام عاشق دختر پادشاه چین ، پری‌دخت می‌شود.
۵- **کسب خبر**: سام اطلاعات لازم از پری‌دخت را بدست می‌آورد.
۶- **نهی**: لشکرِ سام، او را از رفتن به چین باز می‌دارند.
۷- **نقض نهی**: سام، نهی را نادیده می‌گیرد.
۸- **میانجی‌گری**: قلواد، سام را همراهی می‌کند.

Archive of SID

www.SID.ir

۹- **عزیمت**: سام برای جست‌جوی پری‌دخت راهی سرزمین چین می‌شود.
۱۰- **مبارزه**: عالم‌افروز پری با سام مشاجره می‌کند و از سام کام می‌طلبد.
۱۱- **پیروزی**: سام با وعده‌ی دروغین، عالم‌افروز را فریفته و او را طرد می‌کند.
۱۲- **واکنش قهرمان**: سام، پری‌نوش، دخترعموی پری‌دخت را از طلسم آزاد می‌کند.
۱۳- **انتقال مکانی**: سام به دربار فغفور در چین راه می‌یابد.
۱۴- **رفع مشکل**: سام در دربار با پری‌دخت دیدار می‌کند.
۱۵- **تعقیب**: فغفور به تعقیب سام می‌پردازد.
۱۶- **نجات**: سام از شرّ تعقیب‌کننده رهایی می‌یابد.
۱۷- **کار دشوار**: فغفور سام را به جنگ نهنکال می‌فرستد.
۱۸- **انجام کار دشوار**: سام، نهنکال و همه‌ی موانع را کنار می‌زند.
۱۹- **ورود بطور ناشناس**: سام برای نجات پری‌دخت از بند ابرها، به شهر زنان و کوه فنا می‌رسد.
۲۰- **رسوایی شریر**: فغفور در جنگ با سام شکست می‌خورد.
۲۱- **مجازات** : فغفور کشته می‌شود.
۲۲- **عروسی** : سام با پری‌دخت ازدواج می‌کند و بر تخت پادشاهی می‌نشیند.

با تجزیه‌ی **سام‌نامه** در می‌یابیم که: حرکت‌های موجود در این قصه از نظر موضوع و محتوا بیش‌تر از نوع اول حرکت‌های پراپ یعنی «بسط از طریق خویش‌کاری H-I (جنگ و کشمکش)» هستند، علت این امر حماسی بودن **سام‌نامه** است. سراسر داستانِ **سام‌نامه** مملو از کش‌مکش‌ها و جنگ‌هاست، که جنگ بین دو نیروی خیر و شر درون‌مایه‌ی اصلی آن است؛ حرکت‌های نوع دیگر از جمله «بسط از طریق کار دشوار» نیز یافت می‌شود اما آن‌چه مسلّم است حرکت از نوع «جنگ و کش‌مکش» پرکاربردترین نوع حرکت در **سام‌نامه** است که از ۶ ترکیب حرکتی پراپ، **سام‌نامه** با نمودار حرکتی شماره ۲ مطابقت دارد و به عبارت زیر است :

(حرکت جدیدی پیش از پایان حرکت اول آغاز می‌شود.)

w_____ _____A .1

I_____H .2

این قصه دارای کش‌مکش‌های فراوانی است و قهرمان قصه هربار از یک مرحله به

Archive of SID

www.SID.ir

مرحله‌ی بعدی می‌رسد، به عبارت دیگر، چندین شرارت پی‌درپی در حرکت شماره ۲ ایجاد می‌شود و قهرمان آنها را کارسازی می‌کند. خویش‌کاری طلسم یا افسون را شرور در انجام تمام شرارت های خود بکار می‌برد، تکرار نیز به عنوان یکی از عناصر مهمّ **سام‌نامه** می‌باشد که البتّه در سایر قصه‌های جادویی نیز وجود دارد. «یکی از عناصر برجسته‌ی قصه‌های جادویی، تکرار است که معمولا در قالبی سه‌گانه رخ می‌دهد این امر علاوه بر تأکید بر اهمیت حادثه‌ای که رخ می‌دهد و توانایی‌های خاصّ قهرمان، نوعی حالت تعلیق در قصه بوجود می‌آورد . البته گاه قصه‌گویان این بسامد را به هفت بار می‌رسانند.» (حق‌شناس و خدیش، ۳۷ :۱۳۸۷). جنگ‌های متوالی سام با دیوها، از تکرارهای محسوس این داستان است.

در تحلیل ریخت‌شناسی **سام‌نامه** در مقایسه با کارکردهای سی‌ویک گانه پراپ، با جابه‌جایی‌ها و بعضی موارد، حذف کارکردها مواجه می‌شویم که از نظر پراپ مساله‌ای طبیعی است و در این‌جا به توضیح این موارد می‌پردازیم:

در این داستان وضعیت آغازین و غیبت مطابق الگوی پراپ اتفاق افتاده است سپس فریب‌کاری، شرارت وکسب خبر قبل از نهی و نقض نهی واقع شده با ذکر این‌که کسب خبر از طرف قهرمان قصّه صورت گرفته است نه شریر. بدون وقوع عمل مقابله‌ی اولیه، عمل عزیمت بعد از میانجی‌گری رخ داده و چون در این داستان بخشنده‌ای وجود ندارد، عمل‌کردِ اولین کارکرد بخشنده نیز سلب شده است. با حذف کارکردِ داغ گذاشتن، مبارزه، پیروزی، واکنش قهرمان، انتقال مکانی و رفع مشکل به ترتیب اتفاق افتاده است. مبارزه در این تحقیق بدون جنگ تن‌به‌تن یا زورآزمایی به صورت مشاجره در رابطه با کام‌یابی عالم‌افروز از سام و در نتیجه با ممانعت و طرد سام صورت گرفته است. با حذف عمل‌کرد بازگشت، تعقیب و نجات رخ داده است، تعقیبی که توسط فغفورچین اتفاق افتاده و نجات سام با یاری قلواد و قلوش انجام گرفته است. در این داستان چون دو شریر مهم که نقش‌ویژه در عدم وصال سام داشتند، مورد نظر گرفته شده، لذا سبب شرارت‌ها در بعضی مواقع عالم‌افروز (خصوصاً در آغاز قصه) و فغفور، پادشاه چین (خصوصاً در پایان قصه) بوده است، که در تجزیه‌ی ریخت‌شناسی این موارد مشخص شده است. عمل ادّعاهای بی‌پایه در داستان وجود ندارد، زیرا قهرمان زمانی که در مراحل مختلف ادّعای انجام کاری می‌کند، آن را به تنهایی یا به کمک یاری‌گران با موفقیّت انجام می‌دهد. بار دیگر

Archive of SID

www.SID.ir

با جابه‌جایی کارکرد، عمل ورود به طور ناشناس، بعد از کار دشوار و انجام کار دشوار رخ می‌دهد، کار دشواری که فغفور و وزیرش با شرط دروغین از سام می‌خواهند ولی سام با اطلّاع قبلی آن مانع را پشت‌سر می‌گذارد. عمل شناخته شدن و تغییر شکل حذف شده و عنصر رسوایی شریر و مجازات در پی هم آمده است، رسوایی شریر قبل از شکست خوردن او در جنگ با سام، به دلیل وفا نکردن به عهد خود (سام در صورت شکست دادن نهنکال با پری‌دخت ازدواج می‌کند) برای مردم سرزمینش ثابت شده بود. در نهایت با کارکرد پایانی یعنی عروسی و پادشاهی، داستان تمام می‌شود. بررسی کارکردها در **سام‌نامه** بیان‌گر این‌است که: با وجود جابه‌جایی کارکردها از ۳۱ کارکرد پراپ ۲۲ کارکرد اتفاق افتاده و تا حدود زیادی با الگوی پراپ مطابقت داشته است. .

۲-۵- شخصیّت‌های قصه‌ها بر اساس نظریه‌ی پراپ:

«پراپ هفت شخصیت را در قصّه ها شناسایی کرده است: شریر، بخشنده، یاری‌گر، شاه‌زاده خانم، گسیل‌دارنده، قهرمان، قهرمان دروغین. میان این شخصیت‌ها و کارکردهایشان سه نوع رابطه می‌تواند وجود داشته باشد: ۱- یک شخصیت فقط با یک حوزه‌ی کنش سر و کار دارد.۲- یک شخصیت در چند حوزه‌ی کنش شرکت می‌کند.۳- یک حوزه‌ی کنش میان چند شخصیت مختلف تقسیم می‌شود.» (خدیش، ۵۳ :۱۳۸۷) این شخصیت‌ها براساس الگوی ذکر شده در **سام‌نامه** به ترتیب زیر می‌باشند:

– **شریر**: عالم‌افروز پری، فغفورچین. شریرهای دیگری نیز به عنوان مانع در رسیدن سام به هدفش در داستان وجود دارد ولی در این‌جا برجسته‌ترین آن‌ها مدّ نظر قرار گرفته شده است. (یک حوزه‌ی کنش میان چند شخصیّت تقسیم شده است.)

– **یاری‌گر**: خداوند، یاری‌گر واقعی سام بوده است چنان‌که خود او هم معترف این مورد بوده است ولی می‌توان به قلواد و قلوش از میان یاری‌گران اشاره نمود. (یک شخصیت فقط با یک حوزه‌ی کنش سر و کار دارد.) یاری جستن سام از خداوند در نمونه‌ی زیر مشاهده می‌گردد:

«چوسام نریمان چنان حال دید — برآورد سر بر سما بنگرید
که ای پاک دادار پروردگار — تویی آفریننده‌ی مور و مار
جهان‌بخش و نیرودهنده تویی — بسی عادیان را فکنده تویی
توام یاوری‌ده الاهم تویی — به هر جنگ پشت و پناهم تویی»

Archive of SID

www.SID.ir

(خواجوی کرمانی، ۳۰۴ :۱۳۸۶)

- **شاه‌زاده خانم**: پری‌دخت، دختر فغفورچین . با کشتن طغان‌شاه سام را یاری می‌کند. (یک شخصیت در چند حوزه‌ی کنش شرکت می‌کند.)

- **گسیل‌دارنده**: سروش در ترغیب سام برای رفتن به چین نقش داشت و به نوعی چون در آغاز شرارت نیز دست دارد، شریر هم محسوب می‌شود. (یک شخصیت در چند حوزه‌ی کنش شرکت می‌کند.)

«اگـــر مرد راهی ز خود در گذر — بـــه مـنزل‌گه بـی‌خـودی برگذر
به چین رو که فالت همایون شود — ز ماه رخش مهرت افزون شود »
(خواجوی کرمانی، ۵۸ :۱۳۸۶)

- **قهرمان**: سام نریمان علاوه بر این‌که قهرمان قصه است، یاری‌گر هم هست. او برای نمونه پری نوش را از طلسم آزاد می‌کند. (یک شخصیت در چند حوزه‌ی کنش شرکت دارد.)

- **قهرمان دروغین**: فغفور، پادشاه چین که با شرارت‌هایش در رسیدن سام به هدفش مانع ایجاد می‌کند. (یک شخصیت در چند حوزه‌ی کنش شرکت دارد.)

- **بخشنده،** در داستان وجود ندارد؛ زیرا پراپ بر این عقیده است که حوزه‌ی عملیات بخشنده متشکّل از: آماده شدن برای انتقال یک شی یا عامل جادویی و یا دادن یک عامل جادویی به قهرمان است، چون در **سام‌نامه** عامل جادویی و چنین عمل‌کردی مشاهده نمی‌گردد، می‌توان گفت که بخشنده در **سام‌نامه** وجود ندارد.

۲-۶- صفات شخصیت ها:

قهرمان:

زورمند

«چو ده سال عمرش گذشت و چهار — نـیـارسـت شـد چـرخ با او دوچـار

دلیر و کریم

به سرپنجه دست از دلیران ببرد — به زربخشی آب از کریمان ببرد

زیباروی

قضا را شبـــــی با رخ همچـو ماه — درآمد به قصر منوچهـر شـــــاه

شکارچی

www.SID.ir

که فرمان دهد نام‌ور شهریار که بیرون خرامم به عزم شکار»
(همان: ۵۲)

شاهزاده خانم:
سرو قد، زیباروی
«گل‌اندام سروی پری‌دخت نام رخش روز روشن نماید به شام»
(همان: ۵۷)

پری پیکر، دل‌فریب
«نگارا سمن عارضا دل‌برا بتا مـــاه‌رویا پری پیکـــرا
جمال تو شمع است و پروانه دل هـــوای تو گنج است و ویرانه دل»
(همان:۱۴۹)

قهرمان دروغین و شریر (فغفورچین):
کینه‌جو
«شوم از کمین‌گه، برو کینه‌توز به چشمش کنم چون شب تار روز»
(همان:۲۵۴)

فریب‌کار، خائن
«هـــزاران به من چاره آراستی ســر بخت خود را همه کاستی
شکستی همه عهد و پیمان خود کمر بستی از کینه بر جان خود»
(همان:۶۹۰)

بی‌مغز و رأی
«بدوگفت کای شاه بی مغز و رای به بی‌دانشی مانده‌ای در سرای»
(همان:۶۹۱)

بـــدذات
«که فغفور چین را چه آمد به سر ز بی‌داد سام آن بـد بدگهـر»
(همان:۷۰۳)

۲-۷- فرم داستان سام‌نامه:

جمال میرصادقی در کتاب **ادبیات داستانی** خصوصیّات ساختاری قصه‌ها را نقل و بررسی کرده و ما نیز بر اساس این خصوصیّات، **سام‌نامه** خواجوی‌کرمانی را تحلیل

Archive of SID

www.SID.ir

می‌کنیم:

۲-۷-۱- خرق عادت:

«اغلب قصه‌ها جنبه‌ی ماورای حسی و عقلی دارند و به کشف و شهود، الهام، خرق عادات و امور کلی توجه دارند، درحالی‌که بنیاد داستان‌های امروز بر تجربه و مشاهده گذاشته شده است و با امور عقلی سر و کار دارند.» (پروینی، ۴۷ :۱۳۷۹) خرق عادت در **سام‌نامه** نیز جای‌گاه خاصّی دارد و بیش‌تر در پیروزی سام در مقابل دشمنان ابرقدرت با تعداد زیاد، استفاده از جادو برای رهایی از طلسم و پرواز کردن در آسمان برای نجات یا ربودن مشاهده می‌گردد.

۲-۷-۲-پی‌رنگ:

«محور ماجرا در قصه‌ها بر حوادث استوار است و قهرمان در آن‌ها کم‌تر دگرگونی می‌یابد و بیش‌تر دست‌خوش حوادث و ماجراهای گوناگون است.» (باقرزاده خالصی، ۴۰ :۱۳۸۰) وقایع غیرواقعی برای قهرمان قصه کاملا واقعی و معمولی به شمار می‌رود. ماجراهای **سام‌نامه** بیش‌تر حول محور حوادث جادویی و افسانه‌ای و ماجراهای خیالی و وهمی می‌گردد که موجب شگفتی خواننده می‌شود. مثل ربوده شدن پری‌دخت توسطّ عالم‌افروز پری، پرواز در هوا و غیب شدن.

۲-۷-۳- مطلق‌گرایی:

در قصه‌های عامیانه «قهرمان‌های قصّه یا خوبند یا بد، حد میانی وجود ندارد، قهرمان‌های نه خوب و نه بد در قصه‌ها غالباً وجود ندارد.» (میرصادقی، ۹۷ :۱۳۶۰). در این داستان، فغفورچین که موانعی در راه رسیدن سام به هدفش قرار می‌داد و عالم‌افروز پری که سعی در دور نگه‌داشتن سام از پری‌دخت دارد، شخصیت‌هایی منفی و سام که هیچ زیبارویی را جای‌گزین پری‌دخت نمی‌داند و برای رسیدن به معشوقه‌اش هر حادثه‌ای را به جان می‌خرد، شخصیت مثبت داستان است.

۲-۷-۴- لحن:

در جهان قصه همه به یک زبان و لحن صحبت می‌کنند و اختلافی در نحوه‌ی بیان آن‌ها نمی‌توان یافت. **سام‌نامه** نیز از این قاعده مستثنی نیست.

۲-۷-۵- نمونه‌ی کلی:

«در قصه‌ها برخلاف داستان، توجهی به آفریدن و بررسی خصوصیّات درونی و شخصیتی

Archive of SID

www.SID.ir

قهرمان‌ها نمی‌شود. قهرمان‌ها به عنوان انسانی با همه‌ی ویژگی‌های خلقی و رفتاری بشری مورد نظر گزارنده‌ی داستان نیست. قهرمان‌ها نمونه‌ی کلی هستند از خصایل کلی و با جهان‌بینی کلی.» (میرصادقی، ۱۰۰ :۱۳۶۰). در این داستان، سام نمونه‌ای از قهرمانی با خصایل اصیل چون: شجاعت، نیکی و خردمندی و فغفور، پادشاه چین نمونه‌ای است با صفات مذموم نظیر دیوصفتی، ریاکاری و خیانت و ... .

۲-۷-۶- ایستایی شخصیت‌ها:

«شخصیت‌های قصه ایستا هستند یعنی در قصه‌ها تحولّی نمی‌پذیرند و در پایان قصه همانی هستند که در آغاز، خواننده آن‌ها را شناخته بوده است.» (میرصادقی، ۱۰۱-۱۰۰ :۱۳۶۰) . سام و پری‌دخت در آغاز و پایان قصه ویژگی‌های اخلاقی ثابتی دارند و دگرگونی نمی‌پذیرند.

۲-۷-۷- زمان و مکان:

«زمان و مکان در قصه‌ها اغلب فرضی و تصوری‌اند، زمان و مکان را با حدس و گمان می‌توان یافت.» (میرصادقی، ۱۰۲ :۱۳۶۰) زمان را در **سام‌نامه** می‌توان از پادشاهی منوچهرشاه دریافت و در مورد مکان نیز همین بس که حوادث در سرزمین چین رخ می‌دهد چنان‌که در ابیات ذکر شده است.

۲-۷-۸- هم‌سانی قهرمان‌ها در سخن گفتن:

در این قصه تفاوتی میان سخـن گفتن مردم عادی، شاه، جـادوگران و غولان وجـود ندارد و همه به یک سیاق سخن می‌گویند.

۲-۷-۹- نقش سرنوشت:

قهرمانِ این داستان خود را محکوم به سرنوشت نمی‌داند، چراکه اعتقاد به تقدیر مغایر با تلاش برای رسیدن به هدف است. جست‌جو و یاری طلبیدن از پروردگار این مورد را در داستان نقض می‌کند.

۲-۷-۱۰- ایجاد شگفتی:

در ایجاد شگفتی «خواننده حس می‌کند که گزارنده‌ی قصه سعی وافری دارد که خواننده یا شنونده را با ماجراها و حوادث خلق‌السّاعه و غیرعادی به اعجاب و شگفتی وادارد.» (میرصادقی، ۱۰۴ :۱۳۶۰) و مخاطب را با اعجاب به خواندن ادامه داستان ترغیب سازد. وجود شگفتی در **سام‌نامه** ناشی از این است که پی‌رنگ این داستان بر اساس

Archive of SID

www.SID.ir

ماجراهای خارق‌العاده و افسانه‌ای است به همین دلیل نمونه‌های ذکر شده در «خرق عادت» و «پی‌رنگ» برای این مورد نیز محسوب می‌شود.

۲-۷-۱۱-اپیزودها:

«قصه بر اساس حوادث یا به عبارتی وقایع غیرمنتظره ساخته می‌شود. در واقع حوادث بنیان و اساس قصه‌ها هستند.» (حسینی، ۳۰ :۱۳۸۲) قصه‌های بلند فارسی از حوادث استقلال یافته تشکیل شده است. این حوادث به خودی خود کاملند. سام برای رسیدن به معشوقه حوادث متعددی را پشت سر می‌گذارد. این حوادث به خودی خود مستقلند اما با بندهای غیرمستقیم به هم مربوط می‌شوند و مجموعه‌ی این حوادث کل قصه را به وجود می‌آورد.

۲-۷-۱۲- کهنگی:

سام‌نامه مانند دیگر قصه‌های قدیمی در مورد مبارزات قهرمانِ نیک سرشت با شریرها و با چیره شدن بر آن‌ها نگاشته شده است؛ یعنی نوعی قهرمان‌سازی بر داستان حاکم است. در واقع قصه با توسّل به خیال دست به آفرینش عالم‌های تخیّلی می‌زند که جز خیر و شر، چیز دیگری در آن‌ها وجود ندارد. به همین دلیل می‌توان گفت که مضمون قصّه امروزی نیست و مربوط به دوران گذشته است؛ دورانی که هر چیزی برای مردم قابل باور و ممکن‌الوقوع بود.

۲-۷-۱۳- جدال داستان:

جدال در داستان بین اصول انسانی با پلیدی‌ها است و قهرمان‌ها و شریرها نمونه‌های تمثیلی برای این موارد هستند، قهرمان‌های خوب و نیک‌سرشت با نیروهای اهریمنی و آدم‌های شریر می‌جنگند و حوادث قصه را می‌آفرینند؛ در واقع جدال بین دو نیروی خیر و شر است مانند جدال فغفورچین یا عالم افروز با سام .

۲-۷-۱۴- زاویه‌ی دید:

در **سام‌نامه** زاویه‌ی دید سوم شخص است و اعمال و گفت‌گوهای بین شخصیت‌ها از دید راوی اول شخص داستان بیان شده است.

۲-۷-۱۵- صحنه‌پردازی:

در **سام‌نامه** اگرچه محیط واقع‌گرایانه نیست و براساس خیال و افسانه نوشته شده است، اما نویسنده با ظرافت تمام به گونه‌ای متفاوت از توصیف سود جسته است، گویی

Archive of SID

www.SID.ir

نویسنده در حالت فیلم‌برداری قرار دارد، آن‌چنان که خواننده غم‌ها، شادی‌ها، ترس‌ها و نگرانی‌ها را با تمام وجود احساس می‌کند. خواجوی کرمانی آن‌جا که سام خبر مرگ دروغین پری‌دخت را می‌شنود و در مراسم تدفین او حضور می‌یابد چنان هنرمندی خاص بکار گرفته است که دل هر خواننده‌ای را به درد می‌آورد. این قسمت از داستان نمونه‌ای از صحنه‌ی فراخ منظر (ازدحام جمعیتِ تابوت بر دوش، در مراسم تدفین پریدخت) و صحنه‌ی نمایشی (تصویر بی‌تابی سام) است.

۲-۷-۱۶- گفت‌وگو: گفت‌وگو یا دیالوگ از اجزای سازنده و اصلی قصه است.

۳- نتیجه‌گیری

الگوی ریخت‌شناسی ولادیمیر پراپ در میان ساختار گرایانی که در پی الگویی برای تجزیه و تحلیل داستان‌ها بوده‌اند، مهم‌تر از همه بود. به همین دلیل در این مقاله سعی شد که بر طبق روش ریخت‌شناسی پراپ به بررسی و تحلیل این داستان پرداخته شود تا مشخص‌گردد که نظریه‌ی پراپ تا چه اندازه بر این قصه انطباق دارد، چنان‌که ملاحظه شد؛ هدف در این قصه تلاش و جست‌جو برای رسیدن به هدف بوده است، همین امر موجب حوادث و حرکت‌های پی‌درپی هم‌راه با اعجاب و شگفتی بوده که علت بسط و گسترش قصه نیز همین حرکت‌های متعدد درونی داستان بوده است که جز در یک مورد (کار دشوار- انجام کار دشوار) عمل‌کردها از طریق کش‌مکش و پیروزی صورت گرفته است. با بررسی داستان مشخص می‌شود که اگرچه در بعضی مواقع با عدم توالی یا حذف کارکردها مواجه می‌شویم اما با توجه به تعداد اعمال بدست آمده در می‌یابیم که الگوی داستان تا حد زیادی با الگویی که پراپ از قصه‌های عامیانه‌ی روسی به دست می‌دهد موافق است. روند حرکت‌های پی‌درپی در رسیدن به هدف شاید در نگاه اول کسل‌کننده به نظر برسد ولی هنرمندی شاعر در بیان ماجراها، مخاطب را به خواندن ادامه‌ی داستان ترغیب می‌نماید. **سام‌نامه** نیز مانند همه‌ی افسانه‌ها بدون نکات عبرت‌آموز نیست: توکّل به خدا، امید، عدالت‌طلبی و اعتماد نکردن به خائن از مهم‌ترین آموزه‌های درونی این داستان است. در نهایت نیز یاری پروردگار رمز پیروزی و موفقیت قهرمان است که ناشی از تأثیر دین و اعتقادات مذهبی در قصه‌های ایرانی است.

Archive of SID

www.SID.ir

منابع

۱- آذر، عباس و پورسیّد، سیّده معصومه. (۱۳۹۰). «ریخت شناسی گنبد سرخ در هفت پیکر نظامی»، **فصل‌نامه‌ی پژوهش‌های ادبی و سبک‌شناسی(علمی- پژوهشی)**، ش۴، صص: ۳۰-۹.

۲- احمدی، بابک. (۱۳۸۰). **ساختار و تأویل متن**، چ پنجم، تهران: مرکز.

۳- اسکولز، رابرت. (۱۳۷۹). **درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات**، ترجمه‌ی فرزانه طاهری، تهران: آگاه.

۴- باقرزاده خالصی، وحید. (۱۳۸۰). «قصه، قصه پردازی، قصه‌های ایرانی»، **رشد آموزش زبان و ادب فارسی**، ش۵۸. صص: ۴۳-۴۰.

۵- بیات، سعیدرضا و همکاران. (۱۳۷۷). «ریخت شناسی و ریشه شناسی»، **کتاب ماه(هنر)**، ش۲، صص:۱۴-۱۲.

۶- پراپ، ولادیمیر. (۱۳۶۸). **ریخت‌شناسی قصّه‌های پریان**، ترجمه‌ی فریدون بدره‌ای، تهران: توس.

۷- پروینی، خلیل. (۱۳۷۹). **تحلیل عناصر ادبی و هنری داستان‌های قرآن**، تهران: فرهنگ‌گستر.

۸- حرّی، ابوالفضل. (۱۳۸۷). «پراپ، پیش‌گام نظریه‌ی روایت: سه دیدگاه، با نگاهی به داستان اولین اثر جویس»، **کتاب ماه (ادبیات)**، ش۱۳۵، صص: ۲۳-۱۶.

۹- حسینی، محمد. (۱۳۸۲). **ریخت‌شناسی قصه‌های قرآنی، بازخوانی ۱۲ قصه قرآنی**، تهران: ققنوس.

۱۰- حق شناس، علی محمد و خدیش، پگاه. (۱۳۸۷). «یافته های نو در ریخت‌شناسی افسانه‌های جادویی»، **مجله‌ی دانش‌کده ادبیات و علوم انسانی دانش‌گاه تهران**، ش ۱۸۶، صص: ۴۰-۲۷ .

۱۱- خدیش، پگاه. (۱۳۸۷). **ریخت‌شناسی افسانه‌های جادویی**. تهران: علمی و فرهنگی.

۱۲- خراسانی، محبوبه. (۱۳۷۹). **بخشی از مقدمه‌ی کتاب ریخت‌شناسی قصه‌های پریان نوشته‌ی ولادیمیر پراپ**، ش۱۳۷ ، تهران: کلک.

Archive of SID

www.SID.ir

۱۳- خواجوی کرمانی، ابوالعطاء محمود بن علی. (۱۳۸۶). **سام‌نامه** با مقدمه و تصحیح میترا مهرآبادی، تهران: دنیای کتاب.
۱۴- روحانی، مسعود و اسفندیار، سبیکه. (۱۳۸۹). «ریخت‌شناسی قصه‌ی قلعه‌ی ذات‌الصّور در مثنوی طبق نظریه‌ی ولادیمیر پراپ» ، **نشریه‌ی دانش‌کده ادبیات و علوم انسانی دانش‌گاه تبریز**، ش ۲۲۰، صص: ۸۳-۶۷ .
۱۵- روحانی، مسعود و عنایتی قادیکلایی، محمد .(۱۳۹۰). «بررسی قصه‌های دیوان در شاهنامه‌ی فردوسی»، **پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی (دانش‌گاه اصفهان)**، ش ۹، صص: ۱۲۲- ۱۰۵ .
۱۶- سیف، عبدالرّضا و مسیحی‌پور، مرضیه. (۱۳۹۰). «ساختارهای شکلی بانوگشسب نامه». **فصل‌نامه تخصّصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی(بهار ادب)، (علمی- پژوهشی)**، ش۳، صص:۶۶-۵۳ .
۱۷- کوپا، فاطمه و رفیعی سخایی، نوشین. (۱۳۸۹). «شکل‌شناسی سه داستان از گرشاسب‌نامه بر بنیاد نظریه‌ی پراپ»، **فصل‌نامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی**، ش۱۹، صص: ۱۶۴-۱۳۹.
۱۸- میرصادقی، جمال. (۱۳۶۰). **ادبیات داستانی**، تهران: شفا .

Archive of SID

www.SID.ir